

## بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله و صل الله الا محمد واله طاهرین

عرض سلام و تحیت و درود خدمت عزیزان کلاس معارف

در پایان حلقه ششم از این سلسله درسها ملاحظه فرمودید که بعضی از ایمانها ایمان مستقر در دنیا همراه انسانند در برزخ و قیامت هم انسان را همراهی می‌کند. این به تعبیر آیات شریفه قرآن می‌شه ایمان مستقر یعنی ایمان ثابت ایمان رسوخ کرده در دل که مظهر و تجلی آن در اعمال و رفتارمان در اعطا و جوارحمون نمودار هست اما در مقابل ایمان مستقر ایمان مستودع ایمان مشتاق بوده یعنی ایمان عاریتی یعنی ایمان موقت یعنی چهارصباهی توی دنیای شهادتین گفتیم با ما معامله مسلمان شده مارو پاک می‌دونن مسلمون می‌دونن اما این ایمان دردی رو از ما دوا نمی‌کند این ایمان رو باید توی همین دنیا بگذاریم و دست خالی برویم با اون سرا.

نمونه هایی را در پایان جلسه قبلی عرض کردم مثل اون بنده خدایی که آن چهل چراغ بزرگ رو خریده بود و به شدت به اون علاقه داشت و این علاقه به این دنیا و شئون دنیا ترجیح داشت براش بر اعتقاد به خدا و عمل برای قیامتش.

این آیه رو ملاحظه بفرمایید:

ای پیامبر به اینها بگو اگه مال و اموال و فرزند و تجارت و کسب و کار و زمین مصالح اینها براتون محبوب تر از خدا و جهاد در راه خداست، پس بدونید که این ایمانتون ایمان واقعی نیست منتظر روز قیامت باشید که به حسابتون رسیدگی می‌شه

قل إن کان آباؤکم وأبناؤکم وإخوانکم وأزواجکم وعشیرتکم وأموال اقترفتموها وتجارۃ تخشون کسادها ومساکن ترضونها أحب إلیکم من الله ورسوله وجهاد فی سبیلہ فتربصوا حتی یأتی الله بأمره

ای پیامبر به اینها بگو اگه مال و اموالتون اگه زمین هاتون اگه تجارتی که می‌ترسید بازاریتون کساد بشه، کاسبیتون از رونق بیفته و امثال اینها اگر اینها رو بیشتر دوست دارید از خدا و رسول خدا و جهاد و مبارزه در راه خدا، پس منتظر باشید تا فرمان الهی برسه یعنی منتظر عذاب الهی باشید نمونه‌های رو عرض کردم

یک نمونه دیگه هم که باز از بستگان نزدیکمان اتفاق افتاده عرض می‌کنم و بحث رو ادامه میدیم امروز می‌خوایم راجع به متعلقات ایمان صحبت کنیم باید به چه چیزهایی ایمان داشت اون خاطره مربوط به یکی از بانوان معمنه و متینه از فامیل ما بود که ایشون بچه دار نمیشد تا سن و سال بالا و خیلی هم آرزوی فرزند داشت و بالاخره دوا و دکتر و دارو درمان و جادو و جمبل و نذر و نیاز و داخل و خارج و نشد که نشد نهایتا آمد خدمت امام هشتم علیه سلام و عرض کرد که ابن الرسول الله اگر به من فرزندی عنایت کنید و این فرزند پسر باشد اسمش و

جواد می‌ذارم و سعی می‌کنم در مسیر شما تربیتش کنم بالاخره همان سال باردار شد و و چه پسری به دنیا آورد و اسمش گذاشتن جواد و پنج سالم این جوایزشان ترو خشک کرد اما عشق و علاقه به این فرزند فوق‌العاده بود یعنی حتی نماز غذا می‌شد اما تر و خشک کردن این بچه تأخیر نمی‌افتاد عشق و علاقه مفرط این مادر به فرزند باعث شد که موقعی چون کندن به سختی چون بده فرزندش پنج ساله بود که این مادر در بستر مرگ قرار گرفت رختخوابش و چرخاندن طرف قبله از ما خواستند که به اون کلمه شهادتین تلقین کنیم خوب آمدیم بالا سرش و با صدای بلند گفتیم بگو (أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ) به یه نقطه ای از سقف خونه نگاه می‌کرد و با شدت و حدت می‌گفت نه نه نه دوباره اینهایی که دوروبرش بودن تکانش دادن من با صدای بلند فریاد زدم حیف که یه عمری مسلمان بودی اهل نماز و روزه و طاعت و بندگی حالا نامسلمان از دنیا بری بگو (اشهد ان لا اله الاالله) بالاخره با ناراحتی هرچه تمام‌تر شهادت اول رو گفت

گفتیم خب حالا بگو (اشهد ان محمدا رسول الله صلی الله علیه وآله) دوباره به همون نقطه از سقف نگاه می‌کرد و با یه اضطراب و ناراحتی می‌گفت نه نه نه من به دوروبری‌ها توضیح دادم، گفتم این به من و شما نمیکنه این شیطان که اینطور براش چیزهایی رو که توی دنیا را به شدت علاقه داشته برایش مجسم میکنه و میگه اگر بگی به اینها آسیب می‌زنم و این بانو به من و شما نمی‌گه نه داره به شیطان می‌گه نه به آنها آسیب نزن بالاخره هر جور بود شهادت دوم رو گفت اما سر شهادت سوم که شهادت به ولایت امیرالمؤمنین باشه خیلی همه رو اذیت کرد هرچی تکونش دادن هرچی گفتن یه عمری تو مجلس ابی‌عبدالله شرکت کردی اشک ماتم در عزای امام حسین ریختی این فرزندت را از امام رضا گرفتی حیفه که تو بدون ولایت از دنیا بری بگو (اشهد ان علی ولی الله) و این بانوی مومنه خیس عرق بود و می‌لرزید و می‌ترسید و به هر حال نهایتاً بعد از اصرار ما بود تکان های شدیدی که دور و بریاش می‌دادند به همان نقطه سخت که نگاه می‌کرد گفت (اشهد ان علی ولی الله) "آخ جوادو کم از وبالا و افتادو مرد" با لهجه یزدی اینو گفت و چون داد، گفت (جوادم از اون بالا افتاد و مرد) و جوادش کنارش نشسته بود داشت گریه میکرد. اما شیطان جوادشو گذاشته بود لبه شیروانی لبه پشت بام ویه لگدم پشت سرش که اگر بگی شهادت به ولایت امیر المومنین جواد تو می‌زنم میفته میمیره و این شدت علاقه این مادر به این فرزند باعث شد که اینقدر سخت چون بده ولی بازم گلی به جمالشان به هر حال مؤمن بود و مؤمن از دنیا رفت تونست ایمانش و با خودش ببرد اگر این شدت علاقه به حدی باشد که به تعبیر قرآن علاقه به والدین و فرزندان و اموال و دنیا و متعلقاتش بیش‌تر از خدا و رسول و جهاد باشه موقع چون کندن آدم نمی‌تونه این ایمان رو با خودش منتقل کند این هم مصداق دیگه‌ای از نمونه‌های ایمان مستودع و ایمان مستقل این بحث هم تمام شد اما امروز می‌خوایم بحث متعلقات ایمان رو بگیم ایمان به چی ایمان قبلا معنا کردیم از نظر لغت از نظر اقسام

ایمان گروه مرجعه که ایمان رو فقط اعتقاد قلبی میدونستن

خوارچ که ایمان رو همراه با عمل میدونستن

شیعه اهل بیت علیهم السلام که معتقدند اگر کسی ایمان داشته باشد و گناه کند درون حال مؤمن دیگه نیس، کافر نیست البته انسان مومنی که گناهکار است می شه فاسق و فاجر اگر توبه کرد به جرگه ایمان بر می گرده و اگر این گناه رو ادامه داد به این فسق و فجور اضافه شد اشاره کردیم مثل نقطه سیاهی که در قلبش قرار می گیره و کم کم کل قلب رو فرا میگیره اینها مباحثی بود که در خلال حلقات گذشته این درس اشاره کردیم

اما در این قسمت از بحث میخوایم متعلقات ایمان را بگیم:

- ایمان به خدا

- ایمان به قیامت

- ایمان به غیب

- ایمان به ملائکه

- ایمان به انبیا

- ایمان به ائمه

- اینها متعلقات ایمانه

سوره مبارکه بقره در همون آغاز وقتی که متقین رو توصیف میکنه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، الم این کتابی که هیچ شک و تردیدی درونیش متدین هدایتگر تقوای پیشگان است بعد متدین رو تفسیر میکنه الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيَزُكُّوا أُولَئِكَ الَّذِينَ هُمْ يُوقِنُ أَنَّ هُمْ فِيهَا وَإِنَّ إِلَهُهُمُ لَعَلِيمٌ بِمَا فِي صُدُورِهِمْ وَأَنْ يُصَلُّوا لِحُجَّتِهِمْ أَتَمًّا وَمَا لَمْ يَمَسُّهُمْ غَيْرُهَا يَتَذَكَّرُونَ لِمَ خَلَقُوا وَإِنَّ إِلَهُهُمُ لَعَلِيمٌ بِمَا فِي صُدُورِهِمْ وَأَنْ يُصَلُّوا لِحُجَّتِهِمْ أَتَمًّا وَمَا لَمْ يَمَسُّهُمْ غَيْرُهَا يَتَذَكَّرُونَ لِمَ خَلَقُوا وَإِنَّ إِلَهُهُمُ لَعَلِيمٌ بِمَا فِي صُدُورِهِمْ وَأَنْ يُصَلُّوا لِحُجَّتِهِمْ أَتَمًّا وَمَا لَمْ يَمَسُّهُمْ غَيْرُهَا

که ایمان دارند اما به چی ایمان به غیب غیب در مقابل شهود شهود اون چیزیه که یا به چشم می بینیم یا با گوش می شنویم یا با دست و اعضاء و جوارحی لمس می کنیم نظرش را می چشمیم بوش رو استشمام میکنیم اینا شعور در اما به چیزایی هست ماوراء این عالم مادی یعنی تو چارچوب قوانین فیزیک نمی گنجد متافیزیک یا ماوراء ماده هست و به چشم دیده میشه نه با گوش شنیده میشه نه با بقیه حواس پنجگانه قابل حس و درک اونا رو می گیم غیب انسان متقی کسیه که به غیبه هم در کنار شروط ایمان دارد اصالت ماده نیست نمی گه هر چی رو به چشم دیده ام قبول دارم نمی گه هر چی رو به گوش شنیدم می پذیرم نه با اینکه خدا رو ندیده و نشنیده و او را زیر چاقوی لابراتوار تجربه نکرده اما ایمان داره با همه وجودش به خدای لاشریک اعتقاد دارد با اینکه رو ندیده و صداشونو نشنیده اما به خاطر اینکه خدای صادق مصدق خبر داده این به ملائکه ایمان دارد به یک صد و بیست و چهار هزار پیامبر ایمان و اعتقاد داره با اینکه هیچکدوم از نهار رو ندیده و نشنیده اما خدای متعال خبر از وجود مقدس انبیا داده به او ایمان داره به اون آب پس بنابراین بسیاری از اعتقادات ما به نوعی بر می گرده به ایمان به غیب رضا اولین ویژگی که برای متقین بغل نامی بره الدین یومنون بالغیب اما همین ایمان به غیب هم بالاخره باید به جایی تجلی پیدا کند مذهبی داشته باشد چون غریبه بلافاصله می گه و

یقیمون الصلاة چون ایمان به غیب دارن نماز میخونن زکات می‌دن و امثال اینها پس متدین کسانی‌اند که به غیب ایمان دارند اما این ایمانشون هر دوره تجلی دارد تجلی این ایمان در ادامه آیاتِه وَ یُقیمُونَ الصَّلَاةَ حالا که ایمان به غیب دارند اهل نماز هستند و به ما را خاموش و زکات می‌دهند صدقه در راه خدا می‌دن تازه از پیش خودش که اینها را نیورد خدا بهشت عنایت کرده ما یوم قرن از آنچه که ما روزیشان کردیم انفاق می‌کنند دوباره بعدی اشاره می‌کند به ایمان به انبیا و کتاب‌های آسمانی پیشین والدین و یُؤْمِنُونَ بِه مامانش علیک متقیان کسانی‌اند که به آنچه که بر تو ای پیامبر اکرم فرو فرستاده شده ایمان دارن یعنی قرآن و ما و به آنچه که به انبیای گذشته هم نازل شده ایمان دارند پس لازمه تقوا هم ایمان به پیامبر اکرم انشالله احوال و کتاب آسمانیش قرآن و هم ایمان به همه انبیای قبل از پیامبر و به همه کتابهای آسمانی که بر پیامبران گذشته نازل شده هرچند آنچه که امروز در اختیار یهود و نصارا قرار گرفته این تورات و انجیل واقعی نیست این چیزی که امروز یهودیت و مسیحیت ادعا میکنن اونا کتاب آسمانی نه اینها تدوین شده علمای خودشونه واقعی و واقعی رو نتونستن حفظ کنند تعریفش کردن و نسخه اصلی این دو کتاب آسمانی امروزه در اختیار امام زمان عجل الله فرجه و شریف است که از پدران بزرگوارش به از پیامبر به او رسیده نسخه ای که امروز از تورات یا انجیل در اختیار یهودیت و مسیحیت امروز هست تمامش تحریف شده‌است و مشوب به اباطیل و مزخرفات و خرافات و حرف‌هایی که در حد یه انسان معمولی هم نیست تا چه برسد که بخواد فرستاده خدا باشد اما مؤمن واقعی کسیه که بین انبیا فرقی نمی‌گذارد می‌گه ما همه رو معصوم پیامبر خدا فرستادگان الهی و عاملان هدایت بشر میدونیم در آغاز سوره بقره می‌فرماید متدین کسیه که هم به آنچه که بر پیامبر اکرم فرستاده شده اعتقاد و ایمان دارد اما آنچه که به انبیای پیشین در پایانه همین سوره بقره هم دوباره دو سه تا یه هست اشاره به همینه عامل رسول و به لایلا و ممنون پیامبر و مؤمنان به آنچه که خدا بر پیامبر فرستاده ایمان دارن کلون و ملائکته و کتبی و رسله همه مؤمنان به و خدا و رسول و پیامبران قبلی و کتابهای آسمانی ایمان دارند لا نفرق اهدا عامیانه سلسله جلیله انبیاء هیچ فرقی قائل نیستیم اما میدونیم همه رو معصوم میدونیم این از جهالت و نادانی که من فکر کنم برای شادی دل پیغمبر اسلام به پیامبران قبلی جسارت کنم برای اینکه بخوام مقام پیامبر اکرم رو بالا ببرم خدای نکرده مقام انبیای گذشته رو تحقیر کنن و پایین بیارم این از نادانی مومنان واقعی به همه ایمان دارند البته قبلنم گفتم دوباره هم تکرار می‌کنیم که انبیا داری یک حد نیستند سلسله مراتب دارند را صلح هوم علاوه بر بعضی از یه یا فقط نبیند بعضی‌ها هم نبیند هم رسول بعضیا از بالاتر هم نه بیرجندم رسول هم بعضی‌ها یک مقام چهارمی هم دارند افزون بر مقام امامت هم دارد مثل پیامبر ما و مثل حضرت ابراهیم علیه مثلن اما این تفاوت درجه تیکه بین انبیا و هست تاثیری در ایمان ما به هم بیا ندارد همه اینا رو ما فرستاده خدا میدونیم همه را معصوم می‌دانیم همه رو دور از خطا و اشتباه و گناه و مسیحیت میدونیم اما این بزرگواران در داخل و خودشون درجاتی دارند این پیامبران رو ما برخی رو بر برخی دیگر تفصیل دادیم ترجیح دادیم برتری دادیم اون درجات داخلی شوند اما از نظر اصل نوبت نه رسله و سوره بقره که مفصل ترین سوره قرآن دویست و هشتاد و شش دوره آغاز سوره با اوصاف متدین و پایان سوره مؤمنین در اوصاف متقین می‌گه یومنون بالغیب به غیب ایمان

دارند نماز به پا می‌دارند از آنچه که به اونا روزی دادیم در راه خدا انفاق می‌کند ایمان دارند به آنچه بر پیامبر نازل شده و بر آنچه کرد بر انبیای پیشین نازل شده و اینها به آخرت یقین دارند و بالاخره هوم یوقنُون همین جا قرآن بشارت میده بهم نارو خدا هدایت کرده دستشون رو گرفته و ولایتی حامل محفل هون مثل واقعی رستگار و پیروزمند واقعی همین پایان سوره بقره هم توصیف می‌کند خدای متعال مؤمنون رو که عامل رسول علیه به ربیعی ولی منور اینا چی میگن کلن الله و ملائکته یکی و کتبی به رسول همه اینا ایمان دارند به خدا و فرشتگان و انبیا و کتابهای آسمانی که توسط انبیا برای هدایت بشر برای مردم آورده شده و بعد هم می‌گن ما بین انبیا فرقی قائل نمیشیم پس توی این مسائلی که باید بهش ایمان آورد و متعلق ایمان است اولش ایمان به خداست و ما بحثمون رو از همین حلقه درسی از بحث توحید شروع میکنیم ایمان بخدا چند مرحله اول اثبات وجود خدا بعد که ثابت شد حالا این خدا چه صفاتی دارد چه افعالی دارد و بعد هم یگانگی و یکتا پرستی حالا این خدا یکی چنانچه که یهودی‌ها و مسلمانان می‌گن یا دوتاش چنانچه که زرتشتی و می‌گن یا سه تا چنانچه که مسیحیت می‌گن یا بیش از این حرف‌ها چنانچه که بودایی‌ها و هندوها می‌گن اینا و بایست یکی در بحث ایمان به خدا مطرح می‌شه اولین و مقدماتی‌ترین بخش در بحث خداشناسی اثبات وجود خدا است اصلا ثابت بشه که جهان را خالق باشد خدا نام درمقابل این اندیشه اندیشه دهری‌ها است ده یعنی روزگار ریون کسانی بودند که می‌گفتند این روزگاری که مارو میاره و مارو میبره چیزی برای روزگار وجود ندارد نه خدایی در کار هست و نه اینکه او مارو خلق کرده باشد دور نه حسابی و نه کتابی قرآن با کمال صراحت حرف این دهری‌ها رو نقل میکند چون پشتش گرمه چون با برهان و استدلال جواب اینارو می‌ده به قرآن از نقل قول کفار و مشرکین هیچ ترسی ندارد و قالوا حیاتند دنیا نه معتبر یا ده ریون اینجوری می‌گن می‌گن این هیئت الهی هاتونه دنیا هیچی تو عالم نیست جز همین زندگی دنیایی ما نه قبلی نه قیامت اینها برزخی و معادی نه بهشتی یا جهنمی همین دنیاست نمود تو بدهید نه موتو بنهی و می‌میریم و زنده می‌شیم یعنی امروز من که می‌میرم روح من منتقل میشه به بدن او نوزادی که اون سر دنیا در همون لحظه داره به دنیا میاد همون چیزی که در ادیان ایران باستان و همینطور ادیان شبه قاره هند مطرح بوده بودایی‌ها هندوها زرتشتی‌ها مانوی‌ها اینا قائل به تناسخ بودند می‌گفتند زندگی فقط زندگی دنیاست امروز که عمرمون تموم میشه روحیه‌مون منتقل میشه به او نوزاد جدیدی که دارد به دنیا میاد اگر توی این شصت هفتاد سالی که توی دنیا بودیم درست کار کرده باشیم وظیفمون انجام داده باشیم این دفعه روحیه‌مون می‌ره در بدن یه شاهزاده ای که این بار که می‌آیی تو دنیا دیگه خوش بگذرونیم اگر توی این دنیا درست وظیفه را انجام نداده باشیم روح ما منتقل میشه به یه نوزادی که در یک خانواده فقیر و بدبختی به دنیا میان که حالا دوباره که به دنیا میام با یک فقر و فلاکتی دست و پنجه نرم کنم تلافی خوش گذرونی‌های قبلیم بشه خلاصه نه عدالتی هیچی همین دنیاست از چی مارو میاره و میبره روزگار و علت هلاک نمی‌کند ما را چیزی جز همین روزگار به خاطر همین اینارو دهریون می‌نامند تو کتابای کلامی می‌گن دهری‌ها یعنی کسانی که فقط همین زندگی مادی دنیا رو قبول دارن ماورای ماده و متافیزیک چیزی قائل نیستند در زبان عربی به اینا میگن محمد اینها مادی می‌گیم ماتریالیست‌ها کسانی‌اند که فقط زندگی رو درهمین

خورد و خوراک دنیایی می‌دونن زندگی حیوانی دنیا دیگه قبر و قیامت رو قائل نیستند در برابر این اندیشه عقیده ادیان الهی هست ادیان آسمانی همشون اعتقاد به ماوراء ماده دارد چه دیانتی که حضرت موسی الان ولی سلام آورد به نام شریعت یهود یا دیانت موسوی چه دینی که حضرت عالی ولی صلاة و سلام آورد به نام آئین مسیحیت یا شریعت عیسوی و چه آنچه که وجود مقدس پیامبر اعظم صلی الله علیه بالا آورد بعنوان دین اسلام و شریعت محمدی ص این ادیان آسمانی که کتاب آسمانی هم دارند و پیامبر مبعوث از طرف خدا دارند همشون روی اعتقادی به خدا اصرار داشتند بسیار خوب قبل از اینکه به موضوع اثبات وجود خدا و صفات الهی و افعال الهی و توحید و اینها پردازم در همین چند دقیقه پایانی درسی اشاره‌ای بعدی آن گذشته بکنم ببینید از نظر فرهنگ قرآنی دین فقط دین اسلام دین اسلام یعنی تمام یک صد و بیست و چهار هزار پیامبر دینشون دین اسلام بوده حالا ما به خاطر اینکه از موسی آورده می‌گه معین موسویه حضرت عیسی آورده می‌گیم شریعت و دین واقعی نزد خدا دین مقبول و پذیرفته شده فقط دین اسلام و همه یکصد و بیست دینشون دین اسلام بوده آنقدر دین اسلام یا جایی دیگه قرآن می‌فرماید و من به حقیقت اسلام دینا فلن یقبل و فَلَاحُنْ ملل خواستین اگر کسی غیر اسلام دین دیگه ای رو داشته باشد از او پذیرفته نیست و او در قیامت از زیانکاران است پس دین واقعی دین اسلام جالبه که واژه دین در قرآن هر جا آمده به سلیقه مفرد آمده کلمه ادیان تو قرآن نیومده چون قرآن به ادیان اعتقادی ندارد قرآن فقط به دین رو به رسمیت می‌شناسد و اون دین اسلام است رضا کلمه یا صراط مستقیم که اشاره به دین اسلامه در زبان عرب اصلا جمع نداره طریق یعنی راه جمعش میشه تورو سبیل یعنی راه جمعش میشه صبور اما سرات به معنی راه هست اما در زبان عرب اصلا جمع نداره یعنی راه منحصر به فرد صراط مستقیم یعنی کوتاه ترین فاصله بین دو نقطه شما دو نقطه را در نظر بگیرید بی نهایت خط میتونید بین این دو نقطه ترسیم کنید خطوط منحنی خطوط منتشر اما خط مستقیمی که بین دو نقطه ترسیم می‌کنی منحصر به فرد یکی بیشتر نیست و او کوتاه ترین فاصله بین دو نقطه است رضا قرآن می‌گه به این نهادها اثراتی مستقیمی و به او دین اسلام صراط مستقیمه یعنی کوتاه ترین به صرفه ترین راه فقط همین صراط مستقیمه پس دین الهی دین اسلامه قربان وقتی شرح حال از ابراهیم علیه سلام و می‌گه می‌گه حبسم مکمل مثل می‌نامیم قبل و وپی اوضاع اذیتت ابراهیم قبلاً شما را مسلمان نامید یا درهای دیگری از ابراهیم می‌فرماید که خدایا منو مسلمان بمیران و امثال این تعبیر که اگر توی قرآن ملاحظه بفرمایید مکرر ردپای این بحث را می‌بینید اما واژه دین در قرآن هر وقت اومده به شیوه مفرد آمده تعبیر ادیان تو روایات آمده همان تو قرآن اما سوالی که اینجا مطرحه اینه که کتاب‌های آسمانی پیشین چرا تحریف شد و قرآن چرا تعریف نشده و نخواهد شد خب سوال دوم جوابش روشنه خدا خودش وعده کرده که ما این قرآن را حفظ خواهیم کرد ما نمی‌گذاریم تحریف بشه علنا نحن نزلنا الذکر ما قرآن را فرو فرستادیم و او لحاف و خود ما همین قرآن رو از دست خوش تحریف حفظ خواهیم کرد یا در سوره دیگری می‌فرماید لایتی الباطل بین یدیه ولا من خلفه نه از پشت سر نه از پیش رو چیزی نیماذ که این قرآن را تحریف کند تغییر بدهد تنظیم آیات متعددی خبر از این می‌ده که قرآن تا قیام قیامت محفوظ می‌مونه و تحریف نمی‌شه اما خدای متعال که این کار رو بلد بود به انجام بده چرا راجع

به تو رو تو اینجان اینکارو نکرد چرا وقتی که علمای یهود و نصارا اومدن تو رو توی جیشون تعریف کردن تغییر دادن چرا جلو نرو نگرفت دلیلش روشنه به خاطر اینکه تاریخ مصرف ادیان گذشته محدود بود شریعتی حضرت موسی برای یک زمان معینی بود تا وقتی حضرت عیسی به نبوت مبعوث نشده شریعت حضرت موسی معتبره اما وقتی که از دیشب نمردیم علیه مثلن به نوبت رسید دیانت حضرت موسی نصب شد تمام شد اعتبارش همه باید به پیامبری جدید ایمان بیاره دیانت حضرت عیسی هم عمر ششصد سال بود بعد از ظهور پیامبر اسلام و مبعوث شدن اون وجود نازنین به بعد دیگه شریعتی حضرت عیسی هم تاریخ مصرفش تمام شد رضا خدای موتور میتونست کتابهای تورات و انجیل رو هم از دستخوش تحریف نگه داره اما چنین وعده ای رو نداد نکته دیگه اینکه راجع به ادیان گذشته هست اینه که هیچ کدوم از اونها ویژگی‌های این دین مقدس خاتم انبیا سالن والیبال رو نداشت این اسلام سه تا جیمز که ادیان گذشته این را نداشتند یکی جامعیت دین یهود و دین را ناظر به مردم زمان خودش بود یعنی اگر مردم اون زمان در مادیات غرق شده بودن دینی میاد که اینارو بیشتر به طرف معنویت بکشه اگر در معنویت زیاد غرق شده بودند به گونه ای افراطی باز دین الهی میاد تینا رو به طرف مادیات بکشه تا تعطیل کنه اما دین پیامبر عظیم مشتریان اسلام سالن زباله باله نگاهش فقط به مردم اون زمان نبود بلکه دین جامعه‌ی آورد که قیامت قابل پیاده شدن باشد این ویژگی اول که جامعیت اسلام جامع به معنای که هم نگاه فردی داره هم نگاه اجتماعی هم نگاه مادی داره هم نگاه معنوی هم نگاه سیاسی دارد هم نگاه اقتصادی و همه ابعاد مورد احتیاج بشر رو تامین میکنه این می‌شه دین جامع دومین ویژگی دین اسلام جاودانگی شه یعنی تا روز قیامت دیدین باقی خواهد ماند دین یهودیت و مسیحیت این ظرفیت را نداشتند که تا قیام قیامت باشد اما دین اسلام قوانین و چهارصد سال پیش الان هم قابل اجراست بخاطر انفتاح باب اجتهاد که اینها وسایل فنی و تخصصی که ازش رد میشم اینم ویژگی دوم جاودانگی دین مقدس اسلام سومین ویژگی دین اسلام جهانی بودن دین اسلام که برای همه انسان ها بلکه برای جن و انس هست شما ببینید پذیرفته عیسی علی نبینا وآله ولی سلام هم نبیه هم رسول هم العجم هم صاحب شریعت هم کتاب آسمانی دارد ولی قرآن نقل می‌کند می‌گه حضرت عیسی آمد گفت رسول بنی اسرائیل پیامبری بود که فقط برای محدوده‌ی نسل حضرت یعقوب برای فرزندان اسرائیلی چون پیامبر بود اما دین مقدس اسلام اینطوری نیست و ما ارسلناک الا کافه للناس و شیلد و نظیر را و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین یابد رحمت برای همه جهانیان دین مقدسی که آورد برای همه بشریت بلکه حتی برای بشر هم چنانچه که بر می‌آید از آیات سوره حتی برای جنیان هم پیامبر اکرم پیامبر است بگذریم پس دین مقدس پیامبر عظیم‌الشأن اسلام سه تا جیم داره جامعیت جاودانگی و جهانی بودن ادیان گذشته این ویژگی‌ها رو نداشتن و تاریخ مصرفشان تمام شد اگر وجود مقدس پیامبر رو سوره احزاب معرفی میکنه بعنوان خاتم انبیاء نکتش همینه اگر پیامبر خاتم الانبیا هست کتاب آسمانی شم که قرآن باشد خاتم مملکتو به دین مقدس ششم خاتم ادیان بعد از پیامبر اکرم دیگه پیامبری نمیاد بعد از قرآن دیگه کتاب آسمانی ما نداریم و بعد از دین مقدس اسلام دیگه دین مقبول و پذیرفته ای از نظر خدا وجود ندارد انشالله عمری باقی باشد ادامه این بحث را در درس هشتم تقدیم محضرتان می‌کنم و سلام علیکم و رحمت‌الله